

مسئولیت حاکمیت در تربیت برخط: فقر ابزاری و رنج تکراری!

[DOR: 20.1001.1.17354986.1400.16.62.1.6](https://doi.org/10.1001.1.17354986.1400.16.62.1.6)

نعمت‌الله موسی‌پور^۱

مهر هر سال فرصتی است برای مهرورزی اشخاص متعددی در ارتباط با آموزش و تربیت. یکی از این اشخاص، حکومت است که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی^۲ و سایر قوانین مربوط^۳ موظف شده است تا آموزش و پرورش همگانی و رایگان را برای ملت فراهم کند. گرچه تلاش‌های حکومت قاجار برای ایفای تعهد نسبت به آموزش چندان موفق نبود^۴، اما دو حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی در عمل به این تعهد، کوشش بسیار کردند. مدرسه‌سازی مبتنی بر اصول و موازین معماری آموزشی رونق یافت و جداسازی موقعیت تربیتی یکی از پدیده‌های مقبول حیات اجتماعی ایرانیان گردید. مدرسه بعنوان یکی از نمادهای تمدن جدید، با پرچم برفراشته خود، در جایگاهی مهم قرار گرفت و ورود به آن یکی از آرزوهای کودکان میلیون‌ها خردسال ایرانی شد.

اکنون دومین مهری است که کودکان از این فرصت محروم‌اند که با پوشیدن کفش و لباس نو، راهی مدرسه شوند تا فکر آنان به کمک معلمان صبور و متعهد، پرورش یابد. تدارک مدرسه برای پذیرش مشتاقان تحصیل، کوشش حکومت بود در قبال تعهد به توسعه آموزش همگانی رایگان. آموزش همگانی رایگان همچنان برجاست؛ ولی ابزار آن در شرایط کرونایی

۱. سردبیر و استادتمام گروه علوم تربیتی دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران n_mosapour@yahoo.com

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution

۳. قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی مصوب ششم مرداد ماه ۱۳۲۲:

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93633>

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/133414>

۴. متمم قانون اساسی مشروطه:

آموزش برخط تغییر کرده است. پیش از این، حکومت «فضای مدرسه‌ای^۱» را آماده می‌کرد و اکنون انتظار است جایگزین آن را فراهم آورد. جایگزین فضای مدرسه‌ای، اکنون «ارتباطات فضای مجازی^۲» شده است. بستر فعلی آموزش، فضای برخط است؛ که مشتمل بر ابزار و اینترنت می‌باشد. تدارک بستر آموزش، تعهد حکومت برای تدارک آموزش رایگان می‌باشد. البته این تدارک محدود به شاگردان نیست؛ بلکه معلمان را نیز شامل است. آیا نشانه‌هایی از ایفای این تعهد در رفتار حکومت طی دو مهر گذشته دیده شده است؟

از زمان تصویب قانون برای آموزش همگانی مجانی (۱۳۲۲ ش.)، تدارک چنین آموزشی یکی از موضوعات دارای افتخار شد که در تدارک آن حکومت‌ها تردید روا نداشتند؛ و بدین سبب، بارها مقررات حامی آن نیز به تصویب رسید. هم حکومت پهلوی در دهه چهل و پنجاه به تقاضای گسترده برای آموزش تن سپرد و هم در دهه شصت و هفتاد جمهوری اسلامی به افزایش جمعیت متقاضیان تحصیل، پاسخ مثبت داد. در دهه چهل وقتی «سپاه دانش» شکل گرفت، در واقع از سرمایه نظامی کشور صرف آموزش همگانی رایگان شد. همین وضعیت اکنون نیز مطرح است. تدارک آموزش، به ابزارهای تازه‌ای نیاز دارد. تدارک این ابزار - هر چه باشد: موبایل، تبلت، لپ تاپ، کامپیوتر و غیره - به واقع همانند تدارک همان مکان در گذشته است که برای آموزش حضوری، حکومت خود را متعهد به آن می‌دانسته است. این ابزار ارتباطی را نمی‌توان بجای قلم و دفتر قرار داد! گرچه در آموزش رایگان، تدارک آنها نیز مسئولیت حکومت است. وقتی حکومت این واقعیت و تعهد را لحاظ کند که «ابزار ارتباطی آموزش برخط جایگزین مدرسه آموزش حضوری است»، راهی برای تامین منابع آن می‌تواند بیابد.

شواهد حاکی از آن است که میلیون‌ها کودک و نوجوان، مخصوصاً در مناطق کم‌برخوردار و خانواده‌های فرودست اقتصادی، از تدارک ابزارهای آموزش برخط، محروم هستند. همچنین

1. School Atmosphere
2. Cyberspace Communications

است وضعیت معلمانی که به آن شاگردان خدمات آموزشی ارائه می‌کنند^۱. آنها در گذشته در موقعیت مدرسه‌ای به کار آموزش اقدام می‌کردند که تدارک آن در تعهد حکومت بود. اکنون نیز آن تدارک برای ارتباط با شاگردان، وظیفه متولیان آموزش رایگان است. واقعیت‌های مربوط به ابزار ارتباطی شاگرد و معلم، ناعادلانه بودن آموزش را بیش از گذشته کرده است. تحقق عدالت آموزشی در ایران کنونی، به سبب متغیرهای متعددی، سال‌هاست که فراموش شده اما اکنون بی‌عدالتی به «دسترسی» رسیده است.

طی قرن چهاردهم شمسی، تأمین مدرسه برای پوشش به متقاضیان تحصیل، نماد عدالت دسترسی به آموزش رایگان بود و حکومت برای تدارک آن مسئولیت داشت. نابرخورداری از آموزش به سبب نبود ابزار ارتباطی، مثل نابرخورداری به سبب نبود مدرسه است. اگر در آموزش حضوری، مدرسه در شهری یا روستایی یا در عشایر تدارک نمی‌شد، حکومت مسئول آن قلمداد می‌شد. اکنون نیز اگر ابزار ارتباطی برای شاگردی یا معلمی فراهم نیست، آن را می‌توان نشانه‌ای از بر زمین ماندن تعهد حکومت قلمداد کرد.

نبود یا ضعف ابزار ارتباطی آموزش، آموزش عادلانه را دستخوش نابسامانی می‌کند. گرچه این بی‌عدالتی در ابتدا با پدیده مهم دسترسی ظهور می‌یابد، اما بسیار بیش از آن در آموزش اثر می‌گذارد. در فرایند عدالت آموزشی، اولین گروهی که حتی پیش از شاگردان از آن متأثر می‌شوند، معلمان هستند. عدالت آموزشی موضوعی است که در آموزش مجازی فشار زیادی بر معلمان وارد می‌کند. علاوه بر آنکه معلمان نسبت به دسترسی شاگردان به آموزش حساسیت دارند، چهار پدیده دیگر مرتبط با «ابزار ارتباطی»، آموزش مجازی را برای معلمان دشوارتر و پرفشارتر و فرساینده‌تر از آموزش حضوری کرده است: «امکان تعامل»، «حمایت از یادگیری»، «زبان گفتگو» و «غرق‌شدگی شاگردان».

تعاملی بودن آموزش: در تدارک امکان یادگیری، تعامل با شاگردان به دلایل متعددی لازم است. در این ارتباط، سه پدیده **توجه، ادراک و سرعت** نقش اساسی دارند. توجه شاگردان را

۱. اینکه برخی از معلمان امکان تدارک ابزارهای مناسب برای آموزش در فضای مجازی را ندارند، موضوع آشکاری است؛ اما مهم‌تر آن است که تأمین ابزار ارتباطی جزو وظایف متولیان آموزش رایگان است. در اختیار نگذاشتن ابزار ارتباطی همانند آن است که از معلم مدرسه حضوری خواسته شود در منزل خود پذیرای شاگردانش باشد!

متغیرهای متعددی به سوی خود می‌کشاند. بسیاری از سکونت‌گاه‌های خانواده‌های شاگردان امروز مدارس، محیط متناسبی برای آموزش فرزندان نیست. ادراک شاگردان نیازمند دریافت پیام است. ابزار و بستر ارتباطی می‌تواند پیام را به درستی منتقل کند و یا آن را دگرگون سازد. سرعت شاگردان، نیز متفاوت است. در تعامل است که این امر تشخیص داده می‌شود. شاگرد نمی‌تواند سرعت خود را گزارش کند. معلم است که در فرایندهای رویارویی با شاگردان، سرعت هر یک را برآورد می‌کند و به تناسب آن، برنامه آموزش را به پیش می‌برد. ابزار ارتباطی و بستر کنونی آموزش برخط به هر میزان که برخی شاگردان را از تعامل گسترده با معلم محروم می‌کند، سبب صدور احکام کلی درباره توجه، ادراک و سرعت می‌شود و ناعادلانه بودن آموزش به سبب یکسان‌نگاری توجه، ادراک و سرعت شاگردان، افزایش می‌دهد. چنین شرایطی بر بازده آموزش اثر منفی دارد و هم در کوتاه مدت به سبب مراجعه والدین و هم در بلندمدت به سبب حضور این شاگردان در پایه بالاتر، کار معلم را دشوار می‌سازد.

حمایت از یادگیری شاگردان: مدرسه موظف به حمایت و هدایت یادگیری همه شاگردان است و لازمه موثر بودن آن حفظ شاگرد، افزایش امیدواری و اعتماد به نفس شاگرد، گسترش تعلق خاطر شاگرد و توجه به تفاوت‌های فردی شاگردان است. اینها جنبه‌های عاطفی یادگیری هستند و بسیار بیش از جنبه شناختی می‌توانند به موفقیت و شکست شاگردان بینجامند. این نوع حمایت‌ها، اموری اختصاصی و موقعیتی محسوب می‌شوند که معلمان آنها را به تناسب شاگردان و برای پیشرفت هر یک از آنان فراهم می‌کنند. چنین امکانی در آموزش برخط کاملاً وابسته به ابزار ارتباطی است. معلمان متعهد مدارس ایران بخوبی از اهمیت این پدیده‌های آموزشی آگاه هستند. همین آگاهی و تعهد است که سبب می‌شود معلم برای حمایت از یادگیری شاگردان فاقد ابزار ارتباطی، از جان و زمان خود مایه بگذارد تا آنان را در هر جایی «دیدار» کند و به آنان موثرتر آموزش دهد. اما به چند نفر از شاگردان فراوان یک کلاس می‌شود چنین خدمت کرد؟!

زبان گفتگوی آموزش: در آموزش حضوری، یکی از زمینه‌های فهم زبان برنامه درسی، آگاهی و مواجهه با زبان رسمی در محیط مدرسه بود که هم در میان شاگردان جریان می‌یافت و هم

بین معلمان و شاگردان دنبال می‌شد. این فرصت یادگیری از یکدیگر، یکی از منابع یادگیری بود که در فضای مجازی از میان رفته و البته استمرار زبان بومی خانواده هم بر وخامت آن افزوده است. چنین شرایطی، به طور معمول دریافت پیام را با مشکل مواجه می‌کند. بر این اختلال معمول فرایند ارتباطی، شما ابزارهای ارتباطی نامناسب فضای مجازی را بیفزایید. ببینید معلمان با چه مشکلی برای انتقال پیام و شاگردان با چه مشکلاتی برای دریافت درست آن، مواجه هستند. این ارتباط مختل، زمینه و حتی سبب تولید ده‌ها لطیفه تصویری مربوط به این واقعیت است که در فضای رسانه‌ای دست به دست می‌شود؛ (که البته مدرسه یا خانواده، آنها را با بی‌اخلاقی آشکار می‌سازند و رسانه‌ها آنها را با بی‌تعهدی به حقوق و عواطف آن کودکان بازنشر می‌کنند و مردم هم بدان‌ها بعنوان وسیله‌ای که غم و اندوه و رنج روزگار را لحظه‌ای از دلشان بدر می‌سازد لبخند می‌زنند؛ فارغ از آنکه این لبخند کوتاه چه تاثیر بلندمدتی بر جان و روان و سرنوشت آن کودک و نوجوانی برجای می‌گذارد که آن رخداد را تجربه کرده و فیلمش در اختیار عموم قرار گرفته است!)

معلمان برخط در بسیاری از مواقع با والدین بیسواد در حوزه رسانه و فضای مجازی سروکار دارند. این واقعیت، کار بیشتری از معلم طلب می‌کند. هم نیاز است که معلم به آموزش بکارگیری درست و اخلاقی اقدام کند و هم به رفع بدفهمی و کج‌فهمی بپردازد. تنوع ابزارهای مورد استفاده نیز مشکل دیگری برای معلم است. همچنین، موضوع مراقبت از بزهکاری رسانه‌ای و مجازی هم مطرح است. زمینه‌ای که آموزش آن در سنین پایین، بسیار مشکل و تمایل بدان بعنوان بازی، بسیار جاذب است.

غرق‌شدگی شاگردان در فضای مجازی: فضای مجازی و امکانات آن زمینه‌های مناسبی برای جذب شاگردان دارد و درعین حال می‌تواند منجر به غرق‌شدن آنان در این فضا شود. فضای مجازی، فضایی غیر از فضای واقعی است. در فضای مجازی زمان، مکان، سرعت، قدرت و توانایی انسانی معانی و جلوه دیگری می‌یابند که به تصور نزدیک است؛ تا واقعیت. غرق‌شدن در فضای مجازی، موضوعی است که برای کودکان و نوجوانان به سرعت می‌تواند رخ دهد. بازی‌ها یکی از پدیده‌های این فضا هستند که نه تنها کودکان و نوجوانان، که برخی از بزرگسالان را نیز معتاد می‌کنند. درواقع، جاذبه فضای مجازی چنان است که می‌تواند هر کسی

را شکار کند؛ مخصوصاً وقتی که عاطفه^۱ و تخیل^۲ در حد اعلاست. این هر دو در کودکی دارای قدرت خارق العاده‌ای هستند. اینجاست که موضوع تعادل در بکارگیری مطرح می‌شود. معلمان برای اثربخشی آموزش به امکانات فضای مجازی روی می‌آورند و برای پیشگیری از غرق‌شدگی ناچارند از آن پرهیز کنند. ایجاد این تعادل در شرایطی که تمام فعالیت‌های مدرسه وابسته به ابزارارتباطی فضای مجازی است، کاری دشوار یا ناممکن است.

-
1. Emotion
 2. Imagination